

|  |
| --- |
|  درس تفسیر حضرت آیة الله حسینی بوشهری**موضوع کلی: سوره بقره** تاریخ: 2 اسفند 1391**موضوع جزئی: تفسیر آیه 14 و 15** مصادف با: 9 ربیع الثانی 1434  **سال:** **چهارم** جلسه: 29  |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

تذکر اخلاقی:

**خرج امیرالمؤمنین (ع) یوماً فاستقبله سلمان، فقال له: «کیف اصبحتَ یا ابا عبدالله؟ قال: اصبحتُ فی غمومٍ اربعة، قال له و ما هنّ؟ قال: غمّ العیال یطلبون الخبز و الشهوات و الخالق یطلب الطاعة و الشیطان یأمر بالمعصیة و ملک الموت یطلب الروح و قال له: اَبشِر یا ابا عبدالله فانّ لک بکل خصلةٍ درجات»**[[1]](#footnote-1)؛ روزی امیرالمؤمنین (ع) از خانه بیرون آمد و با سلمان مواجه شد و سلمان از حضرت استقبال کرد، حضرت به سلمان فرمود: چگونه صبح کردی؟ سلمان گفت: صبح کردم در حالی که چهار نگرانی و دل مشغولی داشتم، امام (ع) فرمود: نگرانی‏های تو چیست؟ سلمان گفت: اولین نگرانی، گرفتاری خانواده است که باید در پی فراهم کردن وسائل زندگی و خواسته‏های مادی آنها باشم، دومین نگرانی و دغدغه من این است که خالق ما از ما می‏خواهد که اطاعت او را به جا آوریم- من نگرانم که آیا حق بندگی خدا را به جا آورده‏ام یا نه؟- سومین نگرانی این است که شیطان ما را امر به معصیت می‏کند و هر لحظه در صدد است که ما را گمراه کند همان گونه که در قرآن آمده: **«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»**[[2]](#footnote-2)؛ شیطان می‏گوید: به عزّتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم كرد، چهارمین نگرانی و دغدغه من این است که ملک الموت در صدد است که جان ما را بگیرد، امیرالمؤمنین (ع) به سلمان فرمود: بشارت باد تو را ای اباعبدالله (کنیه سلمان)، به خاطر هر دغدغه‏ای که در این جهت داری، خداوند بر درجات تو می‏افزاید.

ادامه تفسیر آیه14: «**وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ**»[[3]](#footnote-3)؛ و هنگامى كه افراد با ايمان را ملاقات مى‌كنند، مى‌گويند: «ما ايمان آورده‌ايم!» (ولى) هنگامى كه با شيطان‏هاى خود خلوت مى‌كنند، مى‌گويند: «ما با شمائيم! ما فقط(آنها را) مسخره مى‌كنيم!»

واژه «مستهزءون» از ریشه «هُزء» گرفته شده و به معنای خُرد کردن و شکستن است، استهزاء، رفتار و کرداری است که همراه با اهانت باشد، مثل خُرد کردن حیثیت و شخصیت طرف مقابل. هرچند استهزاء و تمسخرِ نسبت به دیگران در همه موارد حرام است کما اینکه خداوند متعال می‏فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَ لاَ نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ**»[[4]](#footnote-4)؛ اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! نبايد گروهى از مردان شما، گروه ديگر را مسخره كنند، شايد آنها از اينها بهتر باشند؛ و نه زنانى زنان ديگر را، شايد آنان بهتر از اينان باشند. ولی مراتب قبح استهزاء نسبت به موارد آن متفاوت است. منافقان گاهی مؤمنان را مسخره می‏کنند، گاهی اولیاء الهی را، گاهی امام و پیامبر را و گاهی آیات الهی را که این موارد با هم متفاوت است، استهزاء مؤمنان گرچه موجب فسق است اما استهزاء امام، خدا و رسول و آیات الهی موجب کفر است همان گونه که خداوند متعال می‏فرماید: «**وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ\* لاَ تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ**»[[5]](#footnote-5)؛ «و اگر از آنها بپرسى«چرا اين اعمال خلاف را انجام داديد؟!»، مى‌گويند: «ما بازى و شوخى مى‌كرديم!» بگو:«آيا خدا و آيات او و پيامبرش را مسخره مى‌كرديد؟» بگو: عذر خواهى نكنيد (كه بيهوده است؛ چرا كه) شما پس از ايمان آوردن، كافر شديد! اگر گروهى از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهيم، گروه ديگرى را عذاب خواهيم كرد؛ زيرا مجرم بودند!»، البته استهزاء مؤمنان هم اگر به خاطر وصف ایمان آنان باشد نه خودشان، موجب کفر است، یعنی اگر مؤمن را به خاطر ایمانش مسخره کنند گویا خدا را مسخره کرده‏اند لذا استهزاء مؤمن هم اگر به خاطر ایمان او باشد منجر به کفر خواهد شد.

پیام‏های آیه 14:

1- به هر اظهار ایمانی، نمی‏شود اعتماد کرد بلکه باید از عوامل نفوذی دشمن پرهیز کرد، چون ممکن است کسی که اظهار ایمان می‏کند دو چهره و نفوذی باشد.

2- منافق، شهامت صداقت ندارد و گویا از مؤمنان ترس و وحشت دارد؛ چون هنگامی که با دوستان خودشان گفتگو می‏کنند سعی دارند دور از نظر مؤمنان باشد «**و اذا خلو الی شیاطینهم**» که این حاکی از ترس و وحشت از مؤمنان است و لذا ملاقات با مؤمنان آشکار انجام می‏گیرد اما ملاقات با کفّار و رهبرانشان سرّی و محرمانه است.

3- کفار و منافقان ارتباط تشکیلاتی دارند «**و اذا خلو الی شیاطینهم، قالوا انّا معکم**» و منافقان از کفار خط فکری می‏گیرند.

4- منافقان و کفار نه تنها همفکر هستند بلکه در خدمت یکدیگرند «**قالوا انّا معکم**»؛ چون کلمه «مع» در جایی به کار می‏رود که علاوه بر همفکری، همکاری نیز وجود دارد.

تفسیر آیه 15: «**اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ**»[[6]](#footnote-6)؛ خداوند آنان را استهزاء مى‌كند؛ و آنها را در طغيانشان نگه مى‌دارد، تا سرگردان شوند.

گفتیم منافقان با استهزاء مؤمنان در صدد تحقیر آنان بودند اما خداوند متعال در این آیه پاسخ منافقان را مطرح می‏کند و نتیجه استهزاء مؤمنان را این گونه متذکر می‏شود که خداوند نیز منافقان را به استهزاء می‏گیرد اما استهزاء خداوند متعال با استهزاء منافقان تفاوت دارد، تفاوت مقاصد منافقان با مقاصد خداوند متعال در رابطه با استهزاء این است که انسان‏ها گاهی به دلیل حسادت و کینه‏توزی و دیگر صفات زشت، به تمسخر دیگران می‏پردازند اما این گونه صفات از ساحت خداوند تبارک و تعالی به دور است؛ چون خداوند نسبت به دیگران، کینه و حسادت ندارد، بنابراین آنچه در میان انسان‏ها متداول است از شأن خداوند متعال به دور است، اما استهزاء خداوند متعال تحقق همان مقصدی است که منافقان به دنبال آن هستند، یعنی همان گونه که منافقان قصد داشتند با استهزاء مؤمنان، آنان را تحقیر کنند، خداوند متعال هم منافقان را خُرد و تحقیر می‏کند، شخصی از وجود مبارک امام رضا (ع) در رابطه با تفسیر آیه «**اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ**» سؤال کرد، حضرت فرمودند: «**انّ الله تعالی لایسخر و لایستهزء و لکنّه تعالی یجازیهم جزاء السّخریّة و جزاء الإستهزاء**»[[7]](#footnote-7)؛ یعنی خداوند متعال مانند انسان‏ها کسی را مسخره و استهزاء نمی‏کند لکن جزاء تمسخر و استهزاء مسخره کننده‏گان را می‏دهد.

نکته دیگر این است که خداوند متعال نفرمود: «الله یستهزئهم» بلکه فرمود: «الله یستهزئ بهم»، این تفاوت تعبیر و بکار بردن حرف «باء» در عین اینکه به تأکید کلام می‏افزاید دلالت دارد بر اینکه استهزاء خداوند متعال با استهزاء منافقان فرق دارد همان طور که در آیات مشابه، چنین نکته‏ای وجود دارد؛ مثلاً خداوند متعال می‏فرماید: «**قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**»؛ بگو: «اى يهوديان! اگر گمان مى‌كنيد كه (فقط) شما دوستان خدائيد نه ساير مردم، پس آرزوى مرگ كنيد اگر راست مى‌گوييد (تا به لقاى محبوبتان برسيد)، در اینجا می‏توانست به جای تعبیر «اولیاء لله» از تعبیر «اولیاء الله» استفاده کند ولی این کار را نکرده و «لام» اضافه در «اولیاء لله» نشان دهنده فاصله ادعای یهودیان با حقیقت است و این نشان می‏دهد که یهودیان حقیقتاً اولیاء الله نیستند؛ چون خداوند دوستان واقعی‏‏‏‏‏اش را «اولیاء الله» می‏داند کما اینکه می‏فرماید: «**الا انّ اولیاءَ الله لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون**»[[8]](#footnote-8)، مفسرین گفته‏اند «لله» که در «اولیاء لله» وجود دارد دال بر این است که مرز «اولیاء لله» با مرز «اولیاء الله» فرق می‏کند.

**«والحمد لله رب العالمین»**

1. . بحار الانوار، ج76، ص16. [↑](#footnote-ref-1)
2. . ص/82. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بقره/14. [↑](#footnote-ref-3)
4. . حجرات/11. [↑](#footnote-ref-4)
5. . توبه/65و66. [↑](#footnote-ref-5)
6. . بقره/15. [↑](#footnote-ref-6)
7. . عیون اخبار الرضا، ج1، ص126. [↑](#footnote-ref-7)
8. . یونس/62. [↑](#footnote-ref-8)